

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۷

تطبیق مبانی نوین حقوق بشر با اصول و قواعد حاکم بر مجازات‌ها در اسلام

عباس تقوائی^۱

چکیده

وقتی با رصد رشد حقوق و پیدایش شاخه‌های متعدد آن تا جایی پیش می‌رویم که فرد از کانون توجه حقوق داخلی به حیطه بین‌المللی نیز وارد می‌گردد، مشاهده می‌کنیم که نگاهی از این دست محصول دو قرن اخیر می‌باشد. در وهله اول و مهم‌ترین عرصه توجه به فرد در صحنه بین‌المللی در قالب «حقوق بشر» است؛ اما توجه به حقوق بشر در مفهوم خاص آن باعث می‌شود که فرد علاوه بر سوژه و موضوع‌شدن در محیط بین‌المللی، به‌عنوان تابع و مکلف نیز (البته با یک قرن اختلاف)، مورد توجه حقوق بین‌الملل کیفری قرار گیرد. همه این پیشرفت‌ها در عرصه حقوق جزای وضعی به جهت حمایت از فرد بود؛ حتی آنجا که فرد توسط قوانین بین‌المللی مورد مجازات واقع می‌شد.

واژگان کلیدی

حقوق بشر، حقوق بین‌الملل، حقوق بین‌الملل کیفری، حقوق کیفری اسلام، قواعد حاکم بر مجازات‌ها در اسلام.

۱. نگاهی به حقوق جزا و قواعد آن

در تعریف حقوق جزا اختلاف نظرهایی به چشم می‌خورد. آنچه اهمیت دارد آن است که در این تعریف باید به شناسایی مجرم، تعیین میزان مجرمیت و اقسام واکنش‌های جامعه درمقابل عمل مجرمانه توجه داشت تا وضع حقوق جزا «صرفاً جنبه انتقام‌جویی و عقده‌گشایی» نداشته باشد (شامبیاتی، ۱۳۷۵: ۲۹ - ۳۱). اگر نگاهی به چگونگی پیدایش و سیر تحولات تاریخی حقوق جزا بیندازیم (نوربها، ۱۳۷۵: ۷۳ - ۸۰؛ شامبیانی، ۱۳۷۵: ۱۴۷ - ۱۵۲؛ فیض، ۱۳۷۶: ۲۳ - ۲۷)، مشاهده می‌کنیم که میل به انتقام‌جویی و تلافی عمل خلافی که از هر فردی سرزده و به دیگری آسیب وارد نموده، منشأ پیدایش حقوق جزا بوده است؛ لذا اولین دوره تشکیل حقوق جزا را پیدایش آن در قالب «دوران انتقام‌جویی شخصی» دانسته‌اند.

ویژگی بارز این دوره وجود «مسئولیت جمعی» و «عدم تناسب میان عمل مجرمانه و مجازات آن» بود. قیام شخص به احقاق حق خود و انجام اقدام تلافی‌جویانه به هر نحو ممکن باعث می‌شد که «مسئولیت» در صورت عدم دسترسی یا امکان مجازات مجرم، به‌طور طبیعی به وابستگان و نزدیکانش تسری یابد. به‌علاوه در جوامع سنتی «فرد در جامعه حل می‌شود و خانواده یا قبیله جای او را می‌گیرند» و طبیعی است که در این حالت «هیچ‌گونه معیار و قاعده مشخصی برای کیفر بزهکاران وجود ندارد». انتقام خصوصی به‌تدریج تعدیل می‌شود و در سایه شکل‌گیری یک سلسله قواعد نظیر «قانون قصاص»، «محدودیت انتقام در زمان و مکان» و «اصل مسئولیت شخصی»، کم‌کم جوامع به سمت «دادگستری عمومی» و «تعدیل کلی دوره انتقام خصوصی» حرکت کردند (نوربها، ۱۳۷۵: ۷۴ - ۸۰).

شکل‌گیری قواعدی نظیر «تناسب میان جرم و مجازات» و «اصل مسئولیت شخصی» در دوره دادگستری عمومی، برای آن بود که آحاد بشر تحت حمایت حقوق بشر قرار گیرند و به‌واسطه مجازات بیش از حد و مجازات عملی که مسئولیتی در قبال آن نداشته‌اند، حقوق اولیه بشر نقض نگردد و همه اینها را محصول بلوغ فکری بشر دانسته‌اند. به‌عبارت دیگر بشر در دو قرن اخیر به مرحله‌ای از رشد فکری خود رسیده که توانسته قواعدی مدرن در حمایت از فرد وضع کند.

۲. رابطه حقوق بشر و حقوق جزای بین‌الملل

به نظر برخی محققین، از نتایج «سازمانی شدن حقوق بین‌الملل» آن است که افراد ارزش خود را بازیافته «موضوع مستقیم و بلاواسطه حقوق بین‌الملل قرار خواهند گرفت» و دولت‌ها نمی‌توانند همچون سابق مانع ورود افراد به صحنه بین‌المللی شوند. حقوق‌دانان بزرگی با اندیشه «آزاد کردن افراد از قید دولت‌ها و وارد کردن آنها به صحنه بین‌المللی» در زمان ما ظهور یافته که مهم‌ترین آنها

عبارت‌اند از: هفتر،^۱ وستلیک،^۲ فیور،^۳ بونفیس،^۴ آلوارز،^۵ لاپرال،^۶ دوگی،^۷ کراب،^۸ اسپروپولس،^۹ آکسیولی،^{۱۰} پولیتیس،^{۱۱} ژرژسل.^{۱۲} از نظر این حقوق‌دانان افراد، هم موضوع مستقیم حقوق داخلی هستند و هم حقوق بین‌الملل و حتی برخی از آنها شخصیت حقوقی دولت را زیر سؤال می‌برند؛ چه‌اینکه به نظر ژرژ سل روابط بین‌المللی همان روابط فرامرزی بین افراد و گروه‌ها می‌باشد (ذوالعین، ۱۳۸۳: ۳۱۰ - ۳۱۱). محققان حوزه‌های روابط بین‌الملل نیز افراد را به‌عنوان بازیگران صحنه بین‌الملل پذیرفته‌اند (دوثرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۵۵؛ کاظمی، ۱۳۷۲: ۳۰۵؛ هاپکینز و مانزباخ، ۱۳۷۲: ۵۸؛ Reynolds, 1981: 186 و همچنین Wolfers, 1991: 31). به عقیده پرفسور فرانکل «افرادی که در اصل ساکن سرزمین یک دولت هستند، می‌توانند موقعیت بازیگران بین‌المللی را بیابند» (فرانکل، ۱۳۷۰: ۹۴). روزنا نیز شهروندان، مقامات رسمی و رهبران و بازیگران شخصی را به‌عنوان «بازیگران سطح خرد» معرفی نموده و مورد توجه خویش قرار داده است (Rosenau, 1990: 119).

توجه به فرد به جهت حمایت از وی باعث پیدایش «حقوق بشر» گردیده و بدین ترتیب برای اولین بار طی دو قرن اخیر فرد در عرصه بین‌الملل مطرح و به‌عنوان موضوع حقوق بین‌الملل موردتوجه واقع می‌شود. بااین‌حال اغلب اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی به‌جای تعریف حقوق بشر به ذکر مصادیق آن پرداخته‌اند که نمونه بارز آن اعلامیه جهانی حقوق بشر^{۱۳} مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ میلادی می‌باشد (ناصرزاده، ۱۳۷۲: ۱۲ - ۱۷).

تعاریف مربوط به «حقوق بشر» بیشتر از اسناد بین‌المللی، در فرهنگ‌های سیاسی قابل‌مشاهده است. در «دانشنامه سیاسی»، حقوق بشر «مجموعه حقوقی که براساس نظریه حقوق طبیعی، به موجب قانون طبیعی یکسان به افراد بشر داده شده و جزء ذاتی و جدایی‌ناپذیر موجودیت انسانی آنها به‌شمار می‌آید و نهادهای حقوقی و قضایی (داخلی و بین‌المللی) می‌باید از آن دفاع کنند»، تعریف شده است (آشوری، ۱۳۸۶: ۱۳۱). در تعریف حقوق بشر نیز گفته‌اند که عبارت است از: «مجموعه حقوقی که به ساکنان یک کشور، اعم از بیگانه و تبعه درمقابل دولت داده شود که شامل پاره‌ای از حقوق مدنی و

1. Heffter.
2. Westlake.
3. Fiore.
4. Bonfils.
5. Alvarez.
6. Lapradelle.
7. Duguit.
8. Krabbe.
9. Spiropoulos.
10. Accioly.
11. Politis.
12. G.Scelle.
13. UDHR.

سیاسی مثل آزادی و برابری و مساوات و مقاومت در برابر تجاوز و تعدی و مصونیت جان و مال و خانه و جز اینهاست». البته تأکید می‌شود که تابعیت و نژاد و جنس و نظایر آن نباید در مسئله حقوق بشر دخالت داده شود؛ چراکه «این حداقل حقوقی است که انسان در هر جا که هست باید از آن برخوردار باشد» (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۷۵: ۱۷۳).

درحقیقت قتل‌وغارت و خرابی‌های ناشی از دو جنگ جهانی در نیمه اول قرن بیستم، باعث چنان توجه همه‌جانبه‌ای توسط افکار عمومی به وضعیت حقوق بشر می‌شود که دیگر، دولت‌ها به‌عنوان بازیگران اصلی صحنه بین‌المللی نیز نمی‌توانند نسبت به آن موضعی اتخاذ نکنند. بدین ترتیب هرچند که در «منشور ملل متحد» نیز تعریفی از حقوق بشر ارائه نمی‌شود، با وجود این در مواد ۵۵ و ۵۶ فصل نهم منشور ملل متحد (تحت عنوان «همکاری اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی») به تعهدات حقوقی دولت‌ها در زمینه اتخاذ تدابیری جهت رعایت حقوق بشر، اشاره شده است. به‌عنوان نمونه ماده ۵۵ به تشویق سازمان ملل در اموری نظیر «احترام جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه» و بدون هرگونه تبعیض اختصاص یافته است (ناصرزاده، ۱۳۷۲: ۳۱۵ - ۳۴۰).

باید توجه داشت که امروزه به‌واسطه قرارگرفتن فرد در کانون حمایت‌های بین‌المللی، افراد هم «موضوع حقوق بین‌الملل» واقع می‌شوند و هم یکی از «تابعان و مکلفان حقوق بین‌الملل»؛ چراکه حمایت از افراد توسط حقوق بین‌الملل به‌طور منطقی برای افرادی که به نقض حقوق بشر می‌پردازند، «مسئولیت» آن‌هم از نوع کیفری ایجاد می‌کند. نتیجه این امر آن است که ما به‌طور روزافزون در شرایطی قرار گرفته‌ایم که جنبه حمایتی حقوق بین‌الملل از فرد (حقوق بشر) با جنبه جزایی آن (حقوق بین‌الملل کیفری) درهم می‌آمیزد.

حقوق جزا تا پایان قرن نوزدهم، صرفاً بخشی از حقوق داخلی محسوب می‌شد، اما پس از جنگ جهانی، نخستین طلیعه جنبه‌های بین‌المللی آن آشکار گردید مخصوصاً آنکه در این دوره «معاهدات بین‌المللی متعددی برای مجازات مجرمینی که خطری برای جامعه بین‌المللی محسوب می‌شدند، تدوین گشت» و بعدها به‌دلایلی نظیر «افزایش ارتکاب جرائم جنگی و جرائم علیه بشریت»، «توجه بیشتر به لزوم رعایت حقوق بشر در سطح جهانی»، «گسترش تروریسم بین‌الملل»، «قاچاق و فعالیت‌های وابسته به آن نظیر پول‌شویی» شتاب بیشتری گرفت (میرمحمد صادقی، ۱۳۷۷: ۱۹).

«حقوق بین‌الملل کیفری» به‌معنای خاص و دقیق کلمه یعنی چیزی «که یک محکمه کیفری بین‌المللی در صورت ایجاد شدن باید آن را اجرا نماید». در رابطه با وجود و عدم وجود این شاخه از حقوق بین‌الملل، بحث‌های فراوانی وجود دارد؛ اما امروزه به‌دلایل زیر نمی‌توان وجود آن را نادیده گرفت:

الف) پیشرفت‌های حاصله در مورد تشکیل محاکم کیفری بین‌المللی؛

ب) اقدامات انجام گرفته برای تشکیل یک محکمه کیفری بین‌المللی دائمی؛

ج) اقدامات در حال انجام برای تدوین مجموعه قوانین جزای بین‌الملل (میرمحمد صادقی، ۱۳۷۷: ۱۹ - ۲۳).

مصونیت سران دولت‌ها، به‌عنوان شخصیت‌های حقوقی، اولین بار براساس ماده ۲۲۷ معاهده ورسای از امپراتور آلمان «ویلهم هوهن زولرن» به‌خاطر تجاوز سلب گردید. در ماده ۷ منشور لندن مسئولیت سران کشورها به‌خاطر جرائم بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفت. کنوانسیون جلوگیری و مجازات جنایات نسل‌کشی مصوب مجمع عمومی در سال ۱۹۴۸ که در سال ۱۹۵۱ لازم‌الاجرا شد، عکس‌العملی به سبوعیت‌های جنگ جهانی دوم بود و در رشد حقوق بین‌الملل کیفری نقش ویژه‌ای داشت؛ مخصوصاً آنکه این کنوانسیون «میزان مسئولیت افراد را در مقابل خودشان مشخص می‌کند و نمی‌گذارد تا زیر چتر مسئولیت دولت مورد حمایت قرار گیرند». بدین ترتیب حقوق بین‌الملل کیفری مستقیماً افراد را مورد توجه خویش قرار می‌دهد (بلدسو - بوسچک، ۱۳۷۵: ۱۰۰ - ۱۰۱). محکمه نورنبرگ، توکیو و در سال‌های بعدتر دادگاه صدام حسین، کیفرخواست صادره علیه رادوان کارادزیچ و تشکیل دادگاه‌های ویژه بررسی جنایات جنگی در یوگسلاوی و رواندا نشانه‌ای از مسئولیت کیفری افراد می‌باشد. بر عدم مصونیت افراد به‌عنوان سران کشورها در ماده ۱۳ پیش‌نویس «قانون جرائم علیه صلح و امنیت بشری» کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۹۱ نیز تأکید شده است (میرمحمد صادقی، ۱۳۷۷: ۶۸ - ۶۹).

۳. اصول و قواعد حاکم بر مجازات‌ها در اسلام

حقوق دانان اسلامی تصریح دارند که وضع قوانین در اسلام براساس سه امر یعنی «مصلحت، رحمت و عدالت» صورت گرفته است (فیض، ۱۳۷۰: ۳۹ - ۴۳). اسلام بر این سه مبنا به وضع قواعد حقوقی خود در دورانی پرداخت که قرن‌ها با دورانی که خود بشر (با این تفکر که به مرحله بلوغ رسیده)، به وضع قوانین مدون متشکلی برای این امر دست یازید، فاصله داشت. کلیه این قواعد و اصول محصول دوران پس از انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹ م) بوده و اولین بار در حقوق وضعی در «اعلامیه حقوق بشر و شهروندان» بروز و ظهور یافت (نوربها، ۱۳۷۵: ۱۱۴).

جالب آن است که در قوانین اسلامی، احکام مربوط به مجازات‌ها در ابواب مختلف و مجزای فقهی و تحت عناوین قضا، شهادت، حدود، قصاص، دیات و تعزیرات مطرح گردیده بود. اگرچه در بیشتر این ابواب (نظیر حدود، قصاص، دیات و تعزیرات) به مصداق جرم و مجازات‌های مربوطه (موضوع «حقوق جزای اختصاصی») پرداخته می‌شد، با وجود این، هم ضمن این مباحث و هم مباحث مربوط به نحوه دادرسی (ابواب قضا و شهادت)، برخی مباحث عام مربوط به حقوق جزا (موضوع «حقوق جزای عمومی») نیز مطرح می‌گردید.

با این مقدمه به بررسی اجمالی برخی از مهم‌ترین اصول و قواعد حاکم بر مجازات‌ها در اسلام خواهیم پرداخت:

۱-۳. اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها

مطابق این اصل «هیچ عملی جرم نیست مگر اینکه قانون آن را جرم بشناسد و اعمال هیچ مجازاتی ممکن نخواهد بود مگر اینکه قانون آن را اجازه داده باشد». به عبارت دیگر هدف از اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها «احترام به آزادی‌های فردی و رعایت مصالح اجتماعی» و در یک کلمه «حکومت قانون» می‌باشد. علی‌رغم برخی شواهد قدیمی، اعمال این اصل به‌عنوان «یک اصل عام و تعیین‌کننده در اروپا و در انقلاب کبیر فرانسه ظاهر شده است» (نوربها، ۱۳۷۵: ۵۴).

اسلام ابتدا با تعیین مصادیق جرائم و سپس با تعیین مجازات‌های ثابت (حدود و قصاص) و قابل‌تغییر در محدوده معین (تعزیرات) برای آنها، بر اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها تأکید ورزید. یکی از مهم‌ترین مستندات مربوط به این اصل، «قاعده فقهی قبح (منع) عقاب بلا بیان» است. خود این قاعده مأخوذ از فراز انتهایی آیه ۱۵ سوره اسراء است که خداوند کریم در این آیه می‌فرماید: ﴿مَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا؛ ما هیچ قومی را پیش از آن که رسولی بر آنها بفرستیم عذاب نمی‌کنیم﴾.

همان‌گونه که از قاعده «قبح عقاب بلا بیان» برمی‌آید وجود قانون و قاعده، مقدم بر جرم و مجازات است و بدون این تقدم، اعمال مجازات ممنوع می‌باشد. نتیجه طبیعی این اصل، پیدایش دو قاعده «عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی» و «تفسیر مضیق (محدود)» این قوانین است (همان: ۴۰۱ - ۴۰۲).

۱-۳-۱. قاعده عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی

اینکه بپذیریم قوانین برای آینده وضع می‌شوند و اعمال گذشته را در بر نمی‌گیرند، به‌معنای آن است که قانون شامل موارد پیش از وضع خود نمی‌شود. همان‌طور که گفته شد، از صراحت آیه ۱۵ سوره اسراء و قاعده فقهی «قبح عقاب بلا بیان» این اصل قابل‌استنتاج می‌باشد. آنچه مسلم است هدف از این قاعده جلوگیری از بی‌عدالتی در حق مجرم است؛ لذا در مواردی که عطف بماسبق شدن متضمن منافع مجرم می‌باشد، قاعده اجرا نمی‌شود (همان: ۱۴۹).

۱-۳-۲. قاعده تفسیر مضیق (محدود) قوانین کیفری

تفسیر یک قانون یعنی «جستجوی مفهوم صحیح آن به نحوی که بتوان آن را به‌شکلی درست در مورد هر حالت خاص اجرا کرد». تفسیر درست قانون مانع از تضییع حقوق مجرم خواهد شد و امتیاز این اصل را «نگهبانی و پاسبانی از آزادی‌های فردی» و نتیجه آن را «تبرئه متهم در حالت شک و تردید» و «منع دلیل‌تراشی به واسطه قیاس» دانسته‌اند (همان: ۱۶۳ - ۱۶۶). همان‌طور که می‌دانیم

«اصاله البرائه» به عنوان یک قاعده مهم فقهی مبتنی بر این امر است؛ چراکه مطابق با برائت عقلی، عقل بر پایه قاعده قبح عقاب بلایان، بر عدم مجازات مخالفت با هر قانونی که «از طرف قانونگذار بیان نشده باشد، یا به ما نرسیده باشد» حکم می کند (فیض، ۱۳۷۱: ۱۶۴).

۲-۳. اصل تناسب میان جرم و مجازات

آنگاه که هیچ قاعده و قانونی برای مجازات وجود نداشته باشد، به طور طبیعی هیچ گونه تناسبی، هرچند نسبی، میان مجازات و جرم واقع شده به چشم نخواهد خورد. کلیه اعمال در اسلام با مکیال عدالت سنجیده می شود و بدین گونه عدالت در قوانین جزایی اسلام جایگاهی ویژه می یابد. قرآن کریم رعایت عدالت و عدم تعدی را حتی در جنگ و خصومت (بقره / ۱۸۷) و حتی در رابطه با دشمنان (مائده / ۱۲) واجب می شمرد. با توجه به همین عنصر عدالت محوری، تناسب میان مجازات با عمل انجام شده مبنای احکام جزایی اسلام واقع می شود و جلوی هرگونه تعدی از این مبنا و قاعده گرفته می شود. بدین ترتیب «هماهنگی و تعادل» میان جرم و کیفر آن از ویژگی های کیفر در اسلام محسوب می شود (فیض، ۱۳۷۶: ۳۴۸ - ۳۴۹) و بر همین مبنا در هر جراحاتی که قصاص موجب زیان جانی می شود، جایز نیست (شهید ثانی، بی تا: ج ۱۰، ص ۸۰) و به طور کلی قصاص عضو در جایی که احتمال مرگ یا از بین رفتن عضوی از جانی (بیش از عمل وی) می رود، کنار گذاشته می شود (همان؛ علامه حلی، ۴۰۶ق: ج ۲، ص ۴۷۰) و باز بر همین مبناست که از شروط قصاص طرف (کمتر از قتل نفس)، «تساوی اعضا» (تلف شده و مورد قصاص) در سلامت می باشد (شهید ثانی، بی تا: ج ۱۰، ص ۷۷).

۳-۳. اصل شخصی بودن مسئولیت

همان طور که گفته شد، تا قرون اخیر مسئولیت کیفری فرد جانی، «جمعی» محسوب شده و چه بسا افراد خانواده، عشیره و قبیله او را نیز در بر می گرفت. اسلام از همان ابتدا با وضع قوانین و تعیین جرائم و مجازات ها و ایجاد تناسب میان آنها، بر اصل شخصی بودن مجازات ها تأکید و هرکس را مسئول عمل خویش دانست. آن گونه که از متون فقهی و آیات و روایات برمی آید یکی از ویژگی های کیفر در اسلام آن است که «کیفر باید فقط درباره مجرم که مسئول ارتکاب جرم است، مجری گردد و کسان و نزدیکان او را فرانگیرد» و خلاصه آنکه مسئول جنایی، فردی است و نه جمعی و گروهی (فیض، ۱۳۷۶: ۳۴۸ - ۳۴۹). آیات فراوانی از قرآن کریم مبنی بر اینکه هیچ کس مسئول عمل دیگری نیست و «به جرم دیگری مؤاخذه و مجازات نمی شود»، وجود دارد:

﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾ (فاطر / ۱۸).

﴿مَنْ عَمِلْ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا﴾ (فصلت / ۴۶).

﴿وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾ (انعام / ۱۶۴).

این قاعده در بیشتر موارد، به‌جز مواردی نظیر دیه قتل خطایی که توسط عاقله جانی پرداخت می‌گردد، کلیت خود را حفظ کرده است (فیض، ۱۳۷۶: ۲۴۷)؛ هرچند که برخی با بیان دلایلی که خارج از بحث ماست، این مورد را نیز استثنائی بر کلیت اصل شخصی بودن نمی‌دانند (همان: ۴۶۰ - ۴۶۲). از طرف دیگر علاوه بر نص قرآن کریم، قاعده فقهی لاضرر (بجنوردی، ۱۳۷۲: ۵۲ - ۵۳) نیز متضمن آن است که هرکس مسئول عمل خود بوده و دیگران در این رابطه فاقد مسئولیت هستند (نوربها، ۱۳۷۵: ۹۱).

۴. تطبیق اصول و قواعد حاکم بر مجازات‌ها در اسلام با اسناد بین‌المللی

همان‌طور که ذکر شد، اولین توجه به فرد به‌عنوان یک سوژه بین‌المللی، در قالب حمایت از وی تظاهر پیدا کرد و گسترش یافت تا آنکه در زمان ما تحت عنوان حقوق بشر مورد توجه قرار گرفت. اقبال به حقوق بشر، ابعاد حمایتی از فرد را به‌ویژه در حقوق بین‌الملل گسترش داد و بسیاری از اسناد بین‌المللی در زمان معاصر با مبنا قرار دادن همین جنبه حمایتی تنظیم گردیدند. جالب است که با تجزیه و تحلیل متون این اسناد متوجه می‌شویم که این جنبه حمایتی دقیقاً متناسب و هماهنگ با اصول و قواعد حاکم بر مجازات‌ها در اسلام است؛ چراکه تعیین چارچوب برای مجازات‌ها دست دولت‌ها را برای مداخله غیرعادلانه و بدون ضابطه از حریم افراد کوتاه می‌نماید؛ لذا در اینجا با مبنا قرار دادن برخی از این اصول و قواعد، نمونه‌هایی از اسناد بین‌المللی متناسب با آنها را ذکر می‌کنیم:

جدول شماره (۱): مقابله اسناد بین‌المللی با اصول و قواعد حاکم بر مجازات‌ها در اسلام

ردیف	قاعده	سند بین‌المللی مرتبط
۱	اصل تناسب میان جرم و مجازات	• طبق ماده ۸ «کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر» (مصوب ۲۲ نوامبر ۱۹۶۹ - کاستاریکا) «محاکمه منصفانه» یکی از موارد ۲۲ گانه حق اساسی مدنی و سیاسی مذکور در این کنوانسیون می‌باشد (بلدسو و بوسچک، ۱۳۷۵: ۹۳).
۲	اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها و قاعده عطف بما سبق نشدن قوانین کیفری	• مطابق ماده ۹ «کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر» (مذکور در بالا) «عطف بما سبق نشدن قوانین کیفری» نیز در جهت «حمایت در مقابل قانونگذاری پس از عمل» به‌عنوان یکی از موارد ۲۲ گانه حق اساسی مدنی و سیاسی مذکور در این کنوانسیون ذکر گردید.
۳	اصل مسئولیت شخصی	• «کشتن اعضای یک گروه» [ملی قومی نژادی و یا مذهبی] (بند ۱ ماده ۲) و «جدا ساختن کودکان از گروه» (بند ۵ ماده ۲) طبق «کنوانسیون جلوگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی» (مصوب ۱۹۴۸ م) از موارد ژنوساید می‌باشد (ناصرزاده، ۱۳۷۲: ۵۸۷؛ بلدسو و بوسچک، ۱۳۷۵: ۱۰۰). همین دو مورد در اسناد بعدی مانند بند ۲ - الف و بند ۲ - ه ماده ۴ «اساسنامه دادگاه یوگسلاوی» سابق (مصوب ۲۵ می ۱۹۹۳ م) به همین ترتیب مورد توجه قرار گرفته است (کیتی شیایزی، ۱۳۸۳: ۶۲۹).
۴	اصل تناسب میان جرم و مجازات و	• از نظر محققان «تفکیک بین رزمندگان و غیررزمندگان در جنگ» به‌طور ضمنی در مقررات لاهه از کنوانسیون چهارم لاهه (۱۹۰۷) درج شده بود (بلدسو و بوسچک، ۱۳۷۵: ۵۳۱).

ردیف	قاعده	سند بین‌المللی مرتبط
	اصل شخصی بودن مسئولیت	«پروتکل اول تکمیلی کنوانسیون چهارم ژنو» (۱۹۴۹) در سال ۱۹۷۷ تأکید می‌کند «خود جمعیت غیرنظامی نباید به‌عنوان هدف محسوب شوند و مورد حمله قرار گیرند» (همان: ۵۳۱-۵۲۹).
۵	اصل قانونی بودن جرم و مجازات	• طبق ماده ۷ «اعلامیه حقوق و تکالیف بشر در مقدمه قانون اساسی فرانسه» (مصوب ۱۷۹۵ م) «عملی که قانوناً ممنوع نشده باید مجاز باشد. هیچ‌کس ملزم نیست عملی را انجام دهد که در قانون پیش‌بینی نشده باشد» (آقایی، ۱۳۷۶: ۲۷).
۶	اصل تناسب میان جرم و مجازات	طبق ماده ۱۰ اعلامیه مذکور «هر نوع سختگیری و شدت عمل غیرقانونی نسبت به شخص متهم باید شدیداً مجازات شود» (همان).
۷	اصل تناسب	• طبق ماده ۱۲ همان اعلامیه «مجازات‌هایی که در قانون معین می‌گردد نباید از حد لزوم تجاوز کند. نوع مجازات باید با اهمیت جرم مطابقت داشته باشد» (همان: ۲۸).
۸	اصل تناسب	• طبق ماده ۱۳ همان اعلامیه «هر نوع عملی که برای تشدید مجازات قانونی معمول گردد، جنایت محسوب می‌شود» (همان).
۹	قاعده عطف بماسبق نشدن	• طبق ماده ۱۴ اعلامیه مذکور «هیچ قانونی اعم از مدنی و جزائی عطف بماسبق نمی‌شود» (همان).
۱۰	اصل تناسب میان جرم و مجازات	• طبق ماده ۵ «اعلامیه جهانی حقوق بشر» (مصوب مجمع عمومی در ۱۹۴۸ م) «احدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرارداد که ظالمانه یا برخلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد» (همان: ۱۹۹). مشابه این امر در صدر ماده ۷ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» نیز مشابه همین ذکر شده و چنین آمده که: «هیچ‌کس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانی یا ترذیلی قرار داد ...» (همان: ۲۰۹).
۱۱	اصل قانونی بودن	آن‌چنان که در ماده ۹ «اعلامیه جهانی حقوق بشر» آمده است: «احدی را نمی‌توان خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید نمود» (همان: ۲۰۰). در ماده ۵ - ۹ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» نیز آمده که: «هرکس که به‌طور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت (زندانی) شده باشد، حق جبران خسارت خواهد داشت» (همان: ۲۱۰).
۱۲	اصل قانونی بودن و اصل تناسب و قاعده عطف بما سبق نشدن قوانین کیفری	• طبق آنچه در بند ۲ ماده ۱۱ «اعلامیه جهانی حقوق بشر» آمده: «هیچ‌کس برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب آن عمل به‌موجب حقوق ملی یا بین‌المللی جرم شناخته نمی‌شده است، محکوم نخواهد شد. به همین طریق هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه در موقع ارتکاب جرم بدان تعلق می‌گرفت، درباره احادی اعمال نخواهد شد» (همان: ۲۰۰). قریب به همین مضامین در ماده ۱ - ۱۵ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» آمده است (همان: ۲۱۳).
۱۳	اصل شخصی بودن مسئولیت	• در ماده (۵۳) «کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر» و ماده (۷۲) «منشور آفریقایی حقوق بشر و ملل» مقرر گردیده که «غیر از شخص مجرم، هیچ‌کس دیگر نباید به‌خاطر جرم ارتكابی مجازات شود» (همان: ۶۲).
۱۴	اصل قانونی بودن و اصل تناسب و	• حق برخورداری از «محاکمه منصفانه» در ماده ۱۰ «اعلامیه جهانی حقوق بشر» (همان: ۲۰۰) و با مضمونی مشابه در ماده ۲۶ «اعلامیه آمریکایی حقوق بشر»، ماده

ردیف	قاعده	سند بین‌المللی مرتبط
	قاعده عطف بما سبق نشدن قوانین کیفری	۶(۱) «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»، مواد ۸(۱) و ۸(۲) «کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر»، مواد ۷(۱) و ۲۶ «منشور آفریقایی حقوق بشر و ملل» درج شده است. در کنار این مسئله، مسئله عطف بماسبق نشدن قوانین جزائی نیز مطرح شده است (همان: ۶۳ - ۶۴). بر حق برخورداری از «دادخواهی منصفانه» در ماده ۱ - ۱۴ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» نیز تأکید شده است (همان: ۲۱۱). همچنین علاوه بر اسناد بین‌المللی ذکرشده، براساس بند ۱ - د ماده ۳ «قرارداد راجع به حمایت افراد کشوری در زمان جنگ» (مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹ م) که به تکالیف دولت‌های داخلی در زمان جنگ می‌پردازد «محکومیت و اعدام بدون حکم قبلی دادگاهی که صحیحاً تشکیل شده و جامع تضمینات قضایی که ملل متمدن ضروری می‌دانند، باشد»، جزء اعمال ممنوعه در مورد کسانی است که «مستقیماً در جنگ شرکت شرکت ندارند، به انضمام افراد نیروهای مسلحی که اسلحه به زمین گذاشته باشند یا کسانی که به‌علت بیماری یا زخم بازداشت و یا به هر علت دیگری قادر به جنگ نباشند...» (ناصرزاده، ۱۳۷۲: ۴۸۲). در بند ۱ - د ماده ۳ قرارداد ژنو راجع به «بهبود سرنوشت زخم‌داران و بیماران نیروهای مسلح هنگام اردوگشی» (مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹ کنفرانس سیاسی ژنو) نیز بر ممنوع بودن «محکومیت و اعدام بدون حکم دادگاهی که صحیحاً تشکیل شده و جامع تضمینات قضایی که ملل متمدن ضروری می‌دانند، باشد»، تأکید شده است (همان: ۳۶۳). ماده ۳ «قرارداد ژنو راجع به بهبود سرنوشت زخم‌داران و بیماران و غریقان نیروهای مسلح دریا» (مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹ کنفرانس ژنو) و ماده ۳ «قرارداد ژنو راجع به معامله با اسیران جنگی» (مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹ کنفرانس سیاسی ژنو) نیز عباراتی با همین مضمون دارند (ناصرزاده، ۱۳۷۲: به ترتیب ص ۳۸۸ و ص ۴۰۹).
۱۵	قاعده عطف بما سبق نشدن قوانین کیفری	• علاوه بر بند ۲ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر (ذکرشده در ردیف ۱۲) در اسناد بین‌المللی زیر نیز بر قاعده عطف بما سبق نشدن قوانین جزایی تأکید شده است: - مواد ۱۵ (۱) و ۱۵ (۲) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی - مواد ۷(۱) و ۷(۲) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر - ماده ۹ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر - ماده ۲ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملل (آقای، ۱۳۷۶: ۷۶).
۱۶	اصل قانونی بودن	• به‌موجب فراز نهایی ماده ۱ - ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی «هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) از زندگی محروم کرد». • همچنین به‌موجب بخشی از ماده ۱ - ۹ همین میثاق «... هیچ‌کس را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) دستگیر یا بازداشت (زندانی) کرد...» (همان: ۲۰۸ - ۲۰۹).
۱۷	اصل تناسب میان جرم و مجازات	• طبق ماده ۸۶ «قرارداد ژنو راجع به معامله با اسیران جنگی» (مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹ کنفرانس سیاسی ژنو): «هیچ اسیر جنگی را نمی‌توان به‌علت یک اتهام بیش از یک بار مجازات کرد» (ناصرزاده، ۱۳۷۲: ۴۳۹).
۱۸	اصل قانونی بودن و اصل تناسب و اصل	• طبق ماده ۸۷ «قرارداد ژنو راجع به معامله با اسیران جنگی» (پیشین): «اسیران جنگی را نمی‌توان توسط مقامات نظامی یا دادگاه‌های دولت بازداشت‌کننده جز به

ردیف	قاعده	سند بین‌المللی مرتبط
	شخصی بودن مجازات‌ها	مجازات‌هایی که برای همان اعمال مورد اتهام درباره اعضای نیروهای مسلح همان دولت پیش‌بینی شده، به مجازات‌های دیگری محکوم ساخت ... هرگونه مجازات دسته‌جمعی برای اعمال انفرادی و هرگونه تنبیه بدنی و هرگونه حبس در اماکنی که از روشنایی روز محروم باشد و به‌طور کلی هرگونه شکنجه و قساوت ممنوع است ...» (همان).
۱۹	اصل قانونی بودن و اصل تناسب میان جرم و مجازات	طبق قاعده ۳۰ «مقررات مصوب کنفرانس سازمان ملل متحد درباره حداقل رفتار با زندانیان به منظور مبارزه با جرم و چگونگی رفتار با زندانیان» (ژنو ۱۹۵۵ م): «هرگونه مجازات زندانیان به جز بر طبق آن مقررات که اشاره شد ممنوع است و نیز نباید زندانی برای یک بار کار خلاف دو بار مجازات گردد ...» (همان: ۲۹۴).
۲۰	اصل تناسب بین جرم و مجازات	براساس فراز نهایی ماده ۸۹ «قرارداد ژنو راجع به معامله با اسیران جنگی» (پیشین) که به بررسی مجازات‌های انتظامی ممکن در مورد اسیران جنگی می‌پردازد «... در هیچ موردی مجازات‌های انتظامی نباید خلاف انسانیت و توأم با خشونت یا متضمن خطر برای سلامت اسیران جنگی باشد» (همان: ۴۴۰).
۲۱	اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و قاعده عطف بما سبق نشدن قوانین کیفری	به موجب فراز ابتدایی ماده ۹۹ «قرارداد ژنو راجع به معامله با اسیران جنگی» (پیشین) در مورد «تعقیب قضایی» اسیران جنگی «هیچ اسیر جنگی را نمی‌توان به‌واسطه عملی تعقیب یا محکوم کرد که آن عمل به موجب قوانین دولت بازداشت‌کننده یا به موجب حقوق بین‌المللی که در تاریخ ارتکاب آن عمل معتبر است، ممنوع نباشد» (همان: ۴۴۳).
۲۲	اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و قاعده عطف بما سبق نشدن قوانین کیفری	ماده ۶۷ «قرارداد راجع به حمایت افراد کشوری در زمان جنگ» (مذکور در بالا) «دادگاه‌ها فقط می‌توانند مقررات قانونی را که قبل از وقوع تخلف مجری بوده، طبق اصول کلی حقوق، خصوصاً از حیث تناسب مجازات، به‌موقع اجرا گذارند و این نکته را باید در نظر بگیرند که متهم تبعه دولت اشغال‌کننده نیست» (همان: ۵۰۱).
۲۳	قاعده عطف بما سبق نشدن	به موجب بند ۱ ماده ۱۰ «پیش‌نویس قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری» (مصوب کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در ۱۹ ژوئیه ۱۹۹۱): «هیچ‌کس را نمی‌توان به‌موجب این قانون برای اعمالی که قبل از لازم‌الاجرا شدن آن مرتکب شده‌اند، محکوم کرد» (آقایی، ۱۳۷۶: ۲۵۵).

۵. تطبیق برخی اعمال منع‌شده در حقوق بین‌الملل با اصول و قواعد حاکم بر مجازات‌ها

لازمه حمایت از فرد در عرصه بین‌المللی، مجازات انفرادی است که به نقض حقوق وی می‌پردازد و لازمه این مجازات آن است که افراد اخیر از چتر حمایت حکومت و قوانین ملی خود خارج و به‌عنوان مکلف یا تابع حقوق بین‌الملل مورد توجه قرار گیرند. رشد حقوق جزای بین‌الملل در زمانه ما، دقیقاً محصول چنین نگرشی است. با این حال هنوز مواردی که طبق حقوق جزای بین‌الملل، قابل تعقیب و

مجازات باشد، بسیار محدود است؛ چراکه هنوز اساس روابط بین‌الملل بر مبنای حاکمیت کشورهای ملی است. در این قسمت ما با احصای برخی از مهم‌ترین این موارد و تعریف آنها طبق اسناد بین‌المللی، ضمن تطبیق آنها با قواعد و اصول حاکم بر مجازات‌ها در اسلام نشان داده‌ایم که تمامی اعمالی که در حقوق جزای بین‌المللی مورد منع قرار گرفته‌اند، به‌نوعی مغایر با حداقل یکی از اصول و قواعد جزایی اسلام بوده و به همین لحاظ نیز در قوانین جزایی اسلام از آنها نهی شده است:

جدول شماره (۲): مغایرت اعمال ممنوعه در حقوق بین‌الملل کیفری با اصول و قواعد جزایی اسلام

ردیف	عنوان عمل ممنوعه	تعریف، سابقه و مستندات (و مرجع)	دیدگاه اسلام
۱	نسل‌زدایی (Genocide)	این اصطلاح اولین بار توسط رافائل لمکین مطرح شد و اولین بار نیز در دادگاه نورنبرگ تحت عنوان جنایت ضد انسانیت مورد رسیدگی قرار گرفت. طبق ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۴۸ جلوگیری و مجازات جنایت نسل‌زدایی، نسل‌زدایی عبارت است از ارتکاب هریک از اعمال مشروحه زیر علیه یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی که با قصد نابود کردن کلی یا جزئی آنها به‌دلیل دارا بودن این اوصاف صورت می‌گیرد: الف) کشتار اعضای یک گروه؛ ب) ایراد آسیب جسمی یا روانی جدی به اعضای یک گروه؛ ج) قرار دادن عمدی یک گروه در معرض شرایط نامساعد زندگی، به انتظار نابودی فیزیکی کلی یا جزئی آن گروه؛ د) تحمیل تدابیری به قصد جلوگیری از زادوولد در یک گروه؛ ه) انتقال اجباری کودکان یک گروه به گروه دیگر؛ تعریف فوق بعدها «در بند ۲ ماده ۴ «اساسنامه دادگاه یوگسلاوی (سابق)» و بند ۲ ماده ۲ «اساسنامه دادگاه رواندا» و ماده ۶ «اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری» عیناً تکرار شده است». مطابق نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری «در مورد اعمال حق شرط بر کنوانسیون جلوگیری و مجازات نسل‌زدایی» این عمل «مستلزم انکار حق موجودیت کل گروه‌های بشری است» و نهایت آنکه می‌توان مدعی شد که «قربانی جنایت نسل‌زدایی، درحقیقت گروه انسانی است، نه فرد» (کیتی شیایزری، ۱۳۸۳: ۱۳۶ - ۱۴۰؛ آقائی، ۱۳۷۶: ۱۰۸ - ۱۱۰؛ پوریافرانی، ۱۳۹۴: ۲۶۶ - ۲۶۷).	نسل‌زدایی مطابق اصل مسئولیت فردی و قاعده تناسب، در حقوق جزایی اسلام مورد منع واقع شده است.

ردیف	عنوان عمل ممنوعه	تعریف، سابقه و مستندات (و مرجع)	دیدگاه اسلام
۲	جنایت ضد انسانیت (Crimes) against (humanity)	جنایت بر ضد انسانیت به عنوان جنایتی علیه «رفتار انسانی» از مرزهای بین‌المللی فراتر رفته و به همین دلیل «به کانون توجه و نگرانی جامعه بین‌المللی تبدیل می‌شود»؛ لذا در پایان جنگ دوم جهانی، در دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو مورد پیگرد قرار می‌گیرد. به موجب بند (ج) ماده ۶ «منشور نورنبرگ» مواردی نظری «قتل عمدی، نابودسازی، به بردگی گرفتن، بیرون راندن و ارتکاب سایر اعمال غیرانسانی علیه هر جمعیت غیرنظامی، اعم از آنکه پیش از شروع جنگ یا در خلال آن ارتکاب یافته باشد، یا زجر و آزار به دلایل سیاسی، نژادی یا مذهبی در مقام اجرا یا در ارتباط با ارتکاب هریک از جنایات مشمول صلاحیت دادگاه، صرف‌نظر از اینکه اعمال مذکور، ناقض حقوق داخلی کشور محل ارتکاب جرم بوده است یا نه»، به عنوان جنایت بر ضد انسانیت شمرده شده‌اند. البته دادگاه نورنبرگ با اندکی تفاوت جنایت بر ضد انسانیت و جنایت جنگی را مترادف یکدیگر به کار گرفت. قانون شماره ۱۰ شورای نظارت مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۴۵ با برشمردن نمونه‌هایی مشابه منشور نورنبرگ، مواردی نظیر «زندانی کردن، شکنجه و هتک ناموس به عنف» را به فهرست مندرج در ماده ۶ آن افزود. صلاحیت پیگرد جنایت علیه انسانیت مطابق بند (ج) ماده ۵ منشور توکیو به دادگاه توکیو اعطا گردید. بعدها مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ و نیز کمیسیون حقوق بین‌الملل بر «تعقیب و محاکمه جنایات بر ضد انسانیت» تأکید کردند (کیتی شیاپیزی، ۱۳۸۳: ۱۶۹ - ۱۷۵؛ آقایی، ۱۳۷۶: ۱۸۶ - ۱۹۲). بطور کلی محققان برای تحقق جنایت علیه بشریت وجود سه شرط را لازم شمرده‌اند: «لزوم حمله علیه جمعیت غیرنظامی» «لزوم ارتکاب گسترده و سازمان‌یافته» و «تبعیض آمیز بودن حمله» (پوربافرانی، ۱۳۹۴: ۲۶۱ - ۲۶۴).	موارد جنایت بر ضد انسانیت به دلیل گستردگی دامنه آن، طبق قاعده تناسب میان جرم و مجازات در اسلام ممنوع است.

ردیف	عنوان عمل ممنوعه	تعریف، سابقه و مستندات (و مرجع)	دیدگاه اسلام
		ماده ۵ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی (سابق) و با اندکی تغییر ماده ۳ اساسنامه دادگاه رواندا و همچنین ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری موارد جنایت بر ضد انسانیت را احصا و صلاحیت رسیدگی به آن موارد را بررسی و مورد تأکید قرار داده‌اند (کیتی شیایزری، ۱۳۸۳: ۱۷۵ - ۱۷۷) که جهت تلخیص به دو مورد مهم آن اشاره و بسنده می‌کنیم: • به موجب بند (ج) ماده ۶ «منشور نورنبرگ»، جزء (ج) بند اول ماده دوم قانون شماره ۱۰ «شورای نظارت»، بند (ج) ماده ۵ «منشور توکیو»، بند (الف) ماده ۵ «اساسنامه دادگاه یوگسلاوی (سابق)»، بند (الف) ماده ۳ «اساسنامه دادگاه رواندا» و بالاخره جزء (الف) بند ۱ ماده ۷ «اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری» قتل عمدی از موارد جنایت بر ضد انسانیت به شمار می‌رود و منظور از قتل عمد «کشتن عمدی و غیرقانونی یک انسان» می‌باشد (کیتی شیایزری، ۱۳۸۳: صص ۱۹۶ - ۱۹۵). • به موجب بند (ج) ماده ۶ «منشور نورنبرگ»، جزء (ج) بند اول ماده دوم قانون شماره ۱۰ «شورای نظارت آلمان»، بند (ج) ماده ۵ «منشور توکیو»، بند (ب) ماده ۵ «اساسنامه دادگاه یوگسلاوی (سابق)»، بند (ب) ماده ۳ «اساسنامه دادگاه رواندا» و بالاخره جزء (ب) بند ۲ ماده ۷ «اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری»، نابودسازی ((Extermination به عنوان جنایتی بر ضد انسانیت ممنوع گردیده است. طبق جزء ب بند ۲ ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، نابودسازی عبارت است از: «تحمیل عمدی شرایط زیستی، از جمله محروم کردن از دستیابی به غذا و دارو که به انتظار تباه کردن بخشی از یک جمعیت صورت می‌گیرد» (کیتی شیایزری، ۱۳۸۳: ۱۹۹).	طبق مفاد این پاراگراف جنایت بر ضد انسانیت، به واسطه ماهیت غیرقانونی و دامنه گسترده آن، طبق اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و قاعده تناسب میان جرم و مجازات، در حقوق جزای اسلام ممنوع است. نابودسازی به عنوان یکی از مصادیق جنایت بر ضد انسانیت با توجه به تعریف آن نوعی مجازات گروهی و خارج از ضابطه بوده و چون مبتنی بر مسئولیت گروهی است، مغایر با اصل مسئولیت فردی و قاعده تناسب بین جرم و مجازات می‌باشد و بدین لحاظ در دیدگاه اسلام مورد نهی واقع شده است.

ردیف	عنوان عمل ممنوعه	تعریف، سابقه و مستندات (و مرجع)	دیدگاه اسلام
۳	جنايات جنگی	جنايات جنگی جناياتی است که ارتکاب آنها نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی ناظر بر درگیری‌های مسلحانه را در پی دارد. به‌موجب این حقوق در هدایت درگیری‌ها، طرف‌های متخاصم باید به اصل ضرورت، انسانیت و مروت پایبند باشند (کیتی شبایزری، ۱۳۸۳: ۲۵۱؛ همچنین ر.ک: آقای، ۱۳۷۶: ۱۸۶ به بعد و پوربافرانی، ۱۳۹۴: ۳۳۹ با قید «فاحش»). • طبق تعریف کمیته بین‌المللی صلیب سرخ «افراد ناتوان از جنگ و کسانی که نقش مستقیمی در درگیری‌ها ندارند از این حق برخوردارند که جان و تمامیت اخلاقی و جسمی آنان محفوظ بماند و همچنین «طرفین درگیری باید همواره میان افراد غیرنظامی و رزمندگان تمایز قائل شوند» (کیتی شبایزری ۱۳۸۳: ۲۵۱ - ۲۵۲). • مطابق شق اول جزء (ب) بند ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری «هدایت عامدانه حملات برضد جمعیت ذاتاً غیرنظامی یا افراد غیرنظامی که نقش مستقیمی در درگیری‌ها ندارند» از موارد جنايات جنگی محسوب می‌شود و «این جنايات از بند ۲ ماده ۵ پروتکل الحاقی اول گرفته شده که تصریح می‌کند: «جمعیت ذاتاً غیرنظامی و همچنین افراد غیرنظامی نباید هدف قرار گیرند» (کیتی شبایزری، ۱۳۸۳: ۲۹۵؛ پوربافرانی، ۱۳۹۴: ۲۴۳).	فراگیری جنايات جنگی به لحاظ کیفی منجر به غیرانسانی بودن این جنايات می‌شود؛ لذا قاعده تناسب موجب نهی از آنها در حقوق جزای اسلامی می‌شود. جنايات جنگی به‌واسطه تسری کشتار به افراد غیرنظامی که به‌طور مستقیم نقشی در جنگ ندارند، مطابق اصل شخصی بودن در اسلام ممنوع هستند. مفاد این پاراگراف طبق اصل شخصی بودن ممنوع بوده و در اسلام مورد نهی واقع شده است.

ردیف	عنوان عمل ممنوعه	تعریف، سابقه و مستندات (و مرجع)	دیدگاه اسلام
		• مطابق شق پنجم جزء (ب) بند ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری «بمباران یا هدف حمله قرار دادن شهرها، روستاها، مناطق مسکونی یا ساختمان‌های بی‌دفاع که هدف نظامی به‌شمار نمی‌روند با هر وسیله موجود»، از موارد جنایات جنگی است که با اندکی تفاوت «عیناً از ماده ۲۵ مقررات ۱۹۰۷ لاهه برگرفته شده است» (کیتی شیایزری، ۱۳۸۳: ۳۰۵؛ پوربافرانی، ۱۳۹۴: ۲۴۳).	مفاد این پاراگراف با توجه به گستردگی دامنه کشتار به لحاظ کمی و کیفی، طبق اصل تناسب و اصل شخصی بودن مسئولیت ممنوع می‌باشد.
		• مطابق شق دوازدهم جزء (ب) بند ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری «اعلام اینکه به هیچ کس امان داده نخواهد شد» از موارد جنایات جنگی است که «از بند ۲ ماده ۲۳ مقررات ۱۹۰۷ لاهه گرفته شده است» (کیتی شیایزری، ۱۳۸۳: ۳۲۰؛ پوربافرانی، ۱۳۹۴: ۲۴۴).	مفاد این پاراگراف بر گسترش کمی و کیفی دامنه کشتار بوده و طبق اصل تناسب و اصل شخصی بودن مسئولیت ممنوع می‌باشد.
		• مطابق شق شانزدهم جزء (ب) بند ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، «غارت یک شهر یا مکان حتی اگر غلبه بر آن با زور صورت گرفته باشد» از موارد جنایات جنگی است که «عیناً از ماده ۲۸ مقررات ۱۹۰۷ لاهه برگرفته شده است» (کیتی شیایزری، ۱۳۸۳: ۳۲۴؛ پوربافرانی، ۱۳۹۴: ۲۴۴).	مفاد این پاراگراف مطابق با اصل مسئولیت فردی و قاعده تناسب، ممنوع بوده و در اسلام مورد نهی واقع شده است.
		• مطابق شق هفدهم جزء (ب) بند ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری «استعمال سم یا سلاح‌های سمی» از موارد جنایات جنگی است که «این حکم عیناً از بند (الف) ماده ۲۲ مقررات ۱۹۰۷ لاهه برگرفته شده است». این ممنوعیت را قدیمی‌ترین ممنوعیت از نوع خود دانسته‌اند با این‌حال سابقه آن، آخرین سال‌های قرون وسطی ذکر شده است (کیتی شیایزری ۱۳۸۳: ص ۳۲۵ و پوربافرانی، ۱۳۹۴: ص ۲۴۴).	مفاد این پاراگراف مطابق با اصل مسئولیت فردی و تناسب جرم و مجازات‌ها، در اسلام ممنوع است.

ردیف	عنوان عمل ممنوعه	تعریف، سابقه و مستندات (و مرجع)	دیدگاه اسلام
۳	(جنایات جنگی در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی)	مطابق مورد ذکرشده در بند ۱ ماده ۳ مشترک «کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو»، اقدام زیر ممنوع می‌باشد: د) «تعیین مجازات و اجرای کیفر اعدام بدون صدور حکم قبلی از سوی دادگاهی که صحیحاً تشکیل گردیده و جامع تضمین‌های قضایی‌ای است که نزد ملل متمدن ضروری شناخته شده است» (کیتی شیایزری ۱۳۸۳: ص ۳۴۶). • مطابق مورد (ب) ذکرشده در بند ۴ پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو اقداماتی نظیر «مجازات‌های دسته‌جمعی» ممنوع می‌باشد (کیتی شیایزری ۱۳۸۳: ص ۳۴۸).	مجازات یا اعدام غیرقانونی و خلاف قاعده طبق اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها ممنوع می‌باشد. مجازات گروهی نقض اصل مسئولیت فردی بوده و در حقوق اسلام مورد نهی قرار گرفته است.
۴	جنایت تجاوز	«به موجب شق (د) از بند ۱ ماده ۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، دیوان نسبت به جنایت تجاوز در حدود مقررات اساسنامه صلاحیت دارد» و تسری صلاحیت دیوان به مسئله تجاوز جهت اطمینان از کیفر جنایت مزبور می‌باشد که در پایان جنگ دوم جهانی تحت عنوان «جنایت برضد صلح» در منشور نورنبرگ و توکیو مورد بررسی و مجازات واقع شد و «به اعتقاد دادگاه نورنبرگ، جنگ اساساً مصداق شر و بدی است؛ چراکه نتایج سوء آن دامن گیر همه جهانیان می‌شود». با این حال «دادگاه نورنبرگ از تجاوز تعریفی به عمل نیاورد» هرچند که موارد جنایات بر ضد صلح در بند (الف) ماده ۶ منشور نورنبرگ احصا شده است (کیتی شیایزری، ۱۳۸۳: ۳۹۲ - ۳۹۹).	جنایت تجاوز مطابق با قاعده تناسب در اسلام مورد نهی قرار گرفته و ممنوع می‌باشد.
۵	دهشت‌افکنی بین‌المللی (تروریسم بین‌الملل)	دهشت‌افکنی (تروریسم) بین‌المللی به‌خاطر «ماهیت کور و بی‌رحم آن» و قربانی کردن بی‌گناهان از «شنیع‌ترین جنایاتی است که عملاً در تمامی نقاط جهان، دل مردمان را به درد می‌آورد»؛ لذا در «۱۶ نوامبر ۱۹۳۷، جامعه ملل «کنوانسیون برای پیشگیری و مجازات دهشت‌افکنی» تهیه و تدوین کرد که بند ۲ ماده ۱ آن دهشت‌افکنی را چنین تعریف کرده است: اقدامات مجرمانه که علیه یک کشور جهت‌دهی شده و به قصد یا به انتظار ایجاد حالت وحشت در اذهان اشخاص، به‌خصوص یا گروهی از اشخاص یا عموم مردم باشد». آخرین کوشش برای تعریف دهشت‌افکنی «در قالب یک موافقت‌نامه بین‌المللی در ماده ۵ کنوانسیون ملل متحد راجع به منع بمب‌گذاری دهشت‌افکنانه مورخ ۱۹۹۸ به چشم می‌خورد» (همان: ۳۲۶ - ۴۲۹).	تروریسم بین‌الملل بواسطه وارد کردن آسیب دسته‌جمعی و کور و خارج از کنترل و براساس اصل مسئولیت فردی و تناسب در حقوق جزای اسلامی مورد نهی واقع شده است.

ردیف	عنوان عمل ممنوعه	تعریف، سابقه و مستندات (و مرجع)	دیدگاه اسلام
۶	تبعیض نژادی	در ۲۳ نوامبر ۱۹۶۳ «اعلامیه سازمان ملل متحد درباره از بین بردن کلیه انواع تبعیض نژادی» به تصویب مجمع عمومی رسید و مطابق با آن «تبعیض بین افراد بشر براساس رنگ و نژاد، نقص اصول منشور ملل متحد» و تجاوز به «حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر» و همچنین «مانعی در راه توسعه روابط دوستانه و مسالمت‌آمیز بین کشورها» است «که می‌تواند صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره بیندازد». دو سال پس از تصویب این اعلامیه، «کنوانسیون (مقاوله‌نامه) بین‌المللی محو کلیه اشکال تبعیض نژادی» در سال ۱۹۶۵ به تصویب مجمع عمومی رسید (آقای، ۱۳۷۶: ۲۶). این کنوانسیون توسط «کمیسیون حقوق بشر» وابسته به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل تهیه شده و «فهرستی از روش‌های تبعیض‌آمیز» را که مبتنی بر «رنگ، ریشه‌های قومی، ملیت و اجداد» می‌باشد ارائه نموده است. همچنین «کنوانسیون تضمین می‌نماید که تبعیض نژادی در زمینه‌هایی که متعاقباً در سال ۱۹۶۶ در میثاق حقوق مدنی و سیاسی و نیز میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی درج شده، رخ نخواهد داد» (بلدسو و بوسچک، ۱۳۷۵: ۱۱۶ - ۱۱۷). مطابق ماده ۸ کنوانسیون مزبور، کمیته‌ای با عنوان «کمیته امحای تبعیض نژادی» مرکب از ۱۸ عضو جهت محو کلیه اشکال تشکیل گردیده است (آقای، ۱۳۷۶: ۱۰۳). ازجمله وظایفی که در قطعنامه «شورای اقتصادی و اجتماعی» برای کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد پیش‌بینی شده نیز «منع تبعیض نژادی از لحاظ جنس، نژاد، زبان و مذهب» می‌باشد (همان: ۱۴۰).	تبعیض نژادی به‌مثابه برخوردی جمعی با یک گروه نژادی بوده و با توجه به اصل مسئولیت فردی در اسلام ممنوع می‌باشد.

ردیف	عنوان عمل ممنوعه	تعریف، سابقه و مستندات (و مرجع)	دیدگاه اسلام
۷	آپارتاید Crime of) Aparthide)	آپارتاید را «جداکردن شهروندان از یکدیگر برحسب گروه‌های قومی و به‌خصوص نژادی و محدود کردن اقلیت‌های نژادی از حیث محل زیست و آمیزش با نژاد برتر و سلب برخی از حقوق مدنی و سیاسی از آنان و ...» تعریف کرده‌اند. مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۹۵۲ با توجه به این مقدمه آن را «تهدیدی علیه صلح و حقوق بشر» محسوب نمود (آشوری، ۱۳۸۶: ۱۰۹). قطعنامه صادره در سی‌وهفتمین اجلاس مجمع عمومی با تأکید بر «نیاز سریع به اتخاذ معیاری مؤثر برای مبارزه با جنایت آپارتاید» از دبیرکل خواست تا «با انتقال پیش‌نویس بازنگری شده» مقاوله‌نامه ممنوعیت و مجازات جنایت آپارتاید به کمیته ویژه آپارتاید، موجبات بررسی مجدد آن را با اخذ نظرات دولت‌ها فراهم آورد. سرانجام پس از طی مراحل مقاوله‌نامه مزبور مورد پذیرش مجمع عمومی قرار گرفت و در سال ۱۹۷۶ جنبه قانونی یافت. در ماده ۳ مقاوله‌نامه نیز تعریفی صریح و روشن از آپارتاید ارائه شده که بسیار مفصل است (همان: ۱۰۸ - ۱۱۰). شایان ذکر است که «در اواخر سال ۱۹۵۹ و اوایل ۱۹۶۰ رشد تبعیض نژادی به‌شکل حاد در بعضی از کشورها باعث شد مجمع به راهنمایی کمیسیون حقوق بشر اجماعاً صدور و تصویب قطعنامه‌ای مبنی بر منع تبعیض نژادی و مذهبی و لزوم مبارزه با این‌گونه تبعیضات را مورد پذیرش قراردهد» (همان: ۱۱۳). همچنین «شورای امنیت نیز اتخاذ سیاست آپارتاید و توسعه آن را تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی دانسته و آن را در کنار سیاست‌های تبعیض نژادی و جداسازی نژادی نقض واضح اصول حقوق بین‌الملل، به‌ویژه مواد منشور، قلمداد کرده است» (همان: ۱۰۹).	آپارتاید مبتنی بر برخورد دسته‌جمعی بوده و هرگونه برخورد نژادی گروهی مغایر با اصل مسئولیت فردی بوده و در حقوق اسلام مردود می‌باشد.

ردیف	عنوان عمل ممنوعه	تعریف، سابقه و مستندات (و مرجع)	دیدگاه اسلام
۸	شکنجه و سوء رفتار	در اسناد متعدد بین‌المللی نظیر ماده ۵ «اعلامیه جهانی حقوق بشر»، مواد ۷ و (۱) ۱۰ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، ماده ۳ «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»، ماده (۲) ۵ «کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر» و ماده ۵ «منشور آفریقایی حقوق بشر و ملل» مسئله شکنجه و سوء رفتار مورد بررسی قرار گرفته و در مجموع این اسناد موارد زیر منع شده است: ۱. شکنجه؛ ۲. سوء رفتار؛ ۳. مجازات ظالمانه؛ ۴. رفتار غیر انسانی؛ ۵. مجازات غیر انسانی؛ ۶. رفتار تحقیر آمیز؛ ۷. مجازات تحقیر آمیز. قطعه‌نامه شماره (۳۰) ۳۴۵۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد (مصوب ۵ دسامبر ۱۹۷۵)، «ضمن اعلام حمایت از کلیه افراد تحت شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز»، به ارائه تعریفی از شکنجه به شرح زیر پرداخته است: «شکنجه یعنی هر عمل که توسط آن درد یا رنج شدید، خواه جسمی یا روحی، به‌طور عمدی توسط یا به اشاره مقام رسمی بر فردی اعمال شود برای مقاصدی از قبیل کسب اطلاعات از او، یا از شخص ثالث، با اعتراف یا تنبیه به‌خاطر عمل ارتكابی یا تهدید و ارعاب او یا سایر افراد. این امر شامل درد و رنج ناشی از و همراه با مجازات‌های قانونی به میزانی که مطابق با قواعد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان است، نمی‌باشد». تعریف ذکر شده در «کنوانسیون محو شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز» نیز مشابه تعریف مجمع عمومی می‌باشد (همان: ۷۴ - ۷۵). در ماده ۱ مقاله‌نامه مزبور که در «۲۶ ژوئن ۱۹۸۷ قوت قانونی یافت» تعریف از شکنجه گنجانده شده و در ماده ۲ «از دولت‌های عضو به‌صراحت خواسته می‌شود تا با اقدامات قانونی، قضائی، اداری و سایر اقدامات مؤثر از اعمال شکنجه در قلمرو تحت صلاحیت قضائی خود ممانعت به عمل آورده و تحت هیچ شرایطی ولو استثنائی یا دستور مافوق به اعمال شکنجه مشروعیت نبخشند» (همان: ۱۱۹).	شکنجه و سوء رفتار مطابق با قاعده تناسب و اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها بوده؛ لذا در حقوق جزایی اسلام مورد نهی قرار گرفته است.

نتیجه

اسلام از ابتدا نسبت به برقراری یک سیستم قضایی در چهارچوب تشکیلات حکومتی خود اقدام و ضوابط و اصولی برای مقررات جزایی خود در نظر گرفت. بررسی این مقررات و مقایسه آنها با دستاوردهای دو قرن اخیر بشری در عرصه حقوق وضعی میبین آن است که:

اولاً: در عرصه «حقوق بشر» که اولین و مهم‌ترین عامل توجه به فرد در صحنه بین‌المللی می‌باشد، دستاوردهای جدید بشری مبتنی بر شناسایی و تعریف یک سلسله حقوق برای آحاد بشری بود که نه تنها افراد بلکه دولت‌ها نیز حق تعرض و نقض آنها را نداشتند. این سلسله حقوق شامل برخی حقوق قضایی و جزایی نیز می‌شد که اغلب آنها قابل تطبیق با اصول و قواعد حاکم بر مجازات‌ها در اسلام می‌باشد.

ثانیاً: در عرصه «حقوق جزای بین‌الملل» که مکمل جنبه پیشین بوده و سابقه دستاوردهای بشری در این عرصه بسیار کمتر از عرصه «حقوق بشر» است، فرد به عنوان تابع یا مکلف حقوق بین‌الملل از پوسته شخصیت حقوقی خود خارج می‌شود و اگر مرتکب برخی اعمال خاص گردد، قابلیت پیگرد و مجازات خواهد داشت. تعاریف ذکر شده از این اعمال در اسناد و معاهدات بین‌المللی نشان می‌دهد که مرتکبان این اعمال نیز دقیقاً به نقض یکی از قواعد و اصول موجود در قوانین کیفری اسلام پرداخته‌اند.

قرآن کریم.

۱. آشوری، داریوش، (۱۳۸۶)، *دانشنامه سیاسی*، تهران: مروارید، چاپ دهم.
۲. آقابخشی، علی و مینو افشاری راد، (۱۳۷۵)، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، چاپ دوم.
۳. آقایی، بهمن، (۱۳۷۶)، *فرهنگ حقوق بشر*، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۴. بلدسو، رابرت و بولیسلاو بوسچک، (۱۳۷۵)، *فرهنگ حقوق بین‌الملل*، ترجمه بهمن آقایی، تهران: گنج دانش.
۵. پوریافرانی، حسن، (۱۳۹۴)، *حقوق جزای بین‌الملل*، تهران: جنگل و جاودانه، چاپ هشتم.
۶. دوئرتی، جیمز و رابرت فالتزگراف، (۱۳۷۲)، *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: قومس.
۷. ذوالعین، پرویز، (۱۳۸۳)، *مبانی حقوق بین‌الملل عمومی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ دوم.
۸. شامبیاتی، هوشنگ، (۱۳۷۵)، *حقوق جزای عمومی*، تهران: ویستار، چاپ هفتم.
۹. شهید ثانی، زین‌الدین، (بی‌تا)، *الروضه البهیة، الجزء التاسع*، دار العالم الاسلامی.
۱۰. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۰۶ق)، *شرح تبصره المتعلمین*، السید صادق الشیرازی، الجزء الثاني، دار الایمان، الطبعة الثانية.
۱۱. فرانکل، جوزف، (۱۳۷۰)، *روابط بین‌الملل در جهان متغیر*، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ دوم.
۱۲. فیض، علیرضا، (۱۳۷۱)، *مبانی فقه و اصول*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
۱۳. _____، (۱۳۷۶)، *مقارنه و تطبیق در حقوق جزای اسلام*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهارم.
۱۴. کاظمی، علی‌اصغر، (۱۳۷۲)، *روابط بین‌الملل در تنوری و در عمل*، تهران: قومس.
۱۵. کیتی شیایزری، کریانک ساک، (۱۳۸۳)، *حقوق بین‌المللی کیفری*، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۶. موسوی بجنوردی، سید محمد، (۱۳۷۲)، *قواعد فقهیه*، تهران: میعاد.
۱۷. میرمحمد صادقی، حسین، (۱۳۷۷)، *حقوق جزای بین‌الملل*، تهران: میزان.
۱۸. ناصرزاده، هوشنگ، (۱۳۷۲)، *اعلامیه‌های حقوق بشر*، تهران: جهاد دانشگاهی (ماجد).
۱۹. نوربها، رضا، (۱۳۷۵)، *زمینه حقوق جزای عمومی*، تهران: کانون وکلای دادگستری، چاپ دوم.

۲۰. هاپکینز، ریموند. ای و ریچارد مانزباخ، (۱۳۷۲)، «بازیگران سیاست بین‌الملل» در ماهیت سیاست‌گذاری خارجی در دنیای وابستگی متقابل کشورها، گردآوری به‌وسیله جیمز باربر و مایکل اسمیت، ترجمه و تحشیه سید حسین سیف‌زاده، تهران: قومس.

ب) لاتین

21. Reynolds, Pilip. A, (1981), "Non-State Actors and International Outcomes" in: *Perespectiv on world politics*, by Michael Smith and Richard Little, The Open University Press.
22. Rosenau, James, (1990), *Turbulence in World Politics*, Princeton university press.
23. Volfers, Arnold, (1991), "Actors in International Politics" in: *Thy Thory and Practice of International Relation*, by: William C. Olson, Prentice-tallal.

